



سنت لاتینی افلاطون در ایران ناآشناست/ شرح و تفسیر انتقادی یک کتاب

علیرضا ساعتی، مولف کتاب «شرح و تفسیر انتقادی رساله سوفسطایی افلاطون» با بیان اینکه سنت لاتینی افلاطون در ایران ناآشناست، گفت: سنت لاتینی می‌تواند به فهم متن کمک کند.

علیرضا ساعتی، مولف کتاب «شرح و تفسیر انتقادی رساله سوفسطایی افلاطون» با بیان اینکه سنت لاتینی افلاطون در ایران ناآشناست، گفت: سنت لاتینی می‌تواند به فهم متن کمک کند.

به گزارش خبرنگار مهر، کتاب «شرح و تفسیر انتقادی رساله سوفسطایی افلاطون»، تألیف علیرضا ساعتی، توسط نشر پرسش منتشر شده است. علیرضا ساعتی در این کتاب نگاهی متفاوت به یکی از آثار این فیلسوف بزرگ داشته است.

ساعتی درباره ضرورت تألیف این کتاب به خبرنگار مهر گفت: «شرح و تفسیر انتقادی رساله سوفسطایی افلاطون» در دو جلد منتشر شده است؛ جلد اول شامل مقدمه مفصلی است که آن مقدمه سنتی که من بر اساس آن این کتاب را ترجمه کرده ام را توضیح می‌دهد. سنتی که این کتاب در آن ترجمه شده، سنت لاتینی افلاطون گرای است. افلاطون گرایی در تاریخ فلسفه به وجهی تاریخ زبان شناسی دو شاخه دارد؛ یک شاخه آن یونانی است که به محتوای رساله های افلاطون می‌پردازد و در نوافلاطونیان خود را نشان داده و شاخه دیگر که از قرن چهاردهم و با ظهور فیشینو در ایتالیا رخ داد، شاخه زبان شناسی است که بیشتر تأکید آن روی متن یونانی است. به این دلیل که در رنسانس برای احیاء به یونان بازگشتند، اما زبان آنها زبان لاتینی بود و از زبان یونانی فاصله گرفته بودند. وقتی به یونان رجوع کردند برای کشف یونان، زبان یونانی و واکاوی زبان یونانی خیلی برای آنها اهمیت داشت، برای همین تکیه بر زبان یونانی شد و ویژگی هایی که زبان یونانی دارد مثل زبان ایران باستان، فارسی پهلوی و دیگر زبان های باستانی است. این سنت لاتینی افلاطون شناسی است و من ضرورتاً به خاطر اینکه در کشور ما این سنت غایب بود و اکنون این سنت در جهان جاری است، رساله را در این سنت لاتینی ترجمه کرده ام.

وی افزود: استاد مشاور من در دوره دکترا در یونان، «پابلوس کالیگاس» نام داشت که از فلوپین شناسان است و نه گانه های فلوپین را از یونان قدیم به یونان جدید ترجمه کرده است که اثر برجسته ای هم شده است و در دانشگاه های دنیا در سالهای اخیر ایشان را دعوت کرده اند به خاطر اهمیت کاری که کرده اند ولی این سنت لاتینی در ایران نا آشنا است و یکی از ضرورت های تألیف این اثر، این موضوع بود. متأسفانه در ایران با این سنت غریبه هستیم تا حدی که ۵ میلیون نسخه در حوزه ایرانی اسلامی خود داریم که در کتابخانه های خاورمیانه خاک می‌خورد و هنوز ناشناخته مانده است که نشان می‌دهد متأسفانه ما اهل متن خوانی نیستیم. متن یونانی یک صفحه و روبروی آن با ترجمه فارسی و پاورقی های مفصل آمده که نشان از اهمیت این کار دارد. رساله سوفسطایی یک رساله ۷۰ صفحه ای است که از این ۷۰ صفحه تاریخ فلسفه بسیار مدیون آن بوده و برداشت کرده است. من بدون ارجاع به تاریخ فلسفه که از ویژگی های سنت لاتینی است و پایبند به خود افلاطون و رساله هایش است، این رساله را تفسیر کرده ام که این جلد دوم افلاطون را شامل می‌شود.

وی تصریح کرد: یکی از مشکلات سنت لاتینی در دوره معاصر این است که اکثر کسانی که در سنت لاتینی کار می‌کنند، روان شناسانی بسیار ماهر هستند که فلسفه بلد نیستند. من دکترا و لیسانس و فوق لیسانسم فلسفه بود و تلاش کردم هر دو این موضوع را در این کتاب دنبال کنم. جلد یک که به ترجمه اختصاص دارد، مقدمه مفصلی دارد که ضرورت کار، ویژگی های سنت و نگاه کلی به رساله و مقایسه آن با رساله های دیگر افلاطون آمده است. یک نگاه کلی به رساله های دیگر افلاطون داشته ام و رساله را تقطیع کرده ام و پاراگراف به پاراگراف قسمت های مختلف آن را در یک پاراگراف توضیح داده ام. بعد از آن هم ترجمه است.

وی افزود: شرح و تفسیر انتقادی دو بخش دارد؛ به طور کلی یک بخش داخلی دیالوگ و دیگری بخش خارجی دیالوگ. بخش خارجی بخش روشی آن است، بخش داخلی دیالوگ بخش هستی شناسانه آن است. بخش خارجی یک مقدمه و ورود به بحث دارد، معرفی روش و به کارگیری روش تقسیم. تمام مفسرین در دنیا از این روش تقسیم بسیار تعریف کرده اند، اما من معتقدم چون روش تقسیم، تقسیم از نوع مثال است، مهم ترین روش تقسیمی است که ارسطو آن را در روش دیالکتیک خود نقد کرده است. روش تقسیم افلاطون روش ضعیفی است و هدف دارد چون می‌خواهد بگوید با این تقسیم ساده به جایی نمی‌رسیم پس برویم سر دیالکتیک. از این حیث دیالکتیک با هستی شناسی او گره می‌خورد که در نهایت به گره منطقی و متافیزیک وصل می‌شود و هدفش این است که بگوید با این تقسیم به جایی نمی‌رسیم.

رسیم، پس سراغ دیالکتیک برویم. افلاطون در این رساله به دنبال تعریف تبار و دودمان سوفسطایی است که سوفسطایی از کجا آمده است. به این منظور به فعل وجود می‌رسد و افلاطون به تعریف گزاره‌ها می‌پردازد و معنای فعل یونانی «هستن» برای او اهمیت می‌یابد. معمولی، وجودی یا اسنادی. نصف این رساله به بررسی این مطلب می‌پردازد و تمام تقسیمات فعل یونانی وجود را در این کتاب به دقت بررسی کرده‌ام.

این پژوهشگر و محقق فلسفه با بیان اینکه، خود موافقتی با سنت لاتینی ندارد و تعلق خاطری به آن نداشته است، تصریح کرد: ولی سنت لاتینی می‌تواند به فهم متن و فراتر رفتن از آن جهت فهم فیلسوف کمک کند. گاهی شما می‌خواهید ببینید که فیلسوف دقیقاً چه می‌خواهد بگوید و سنت لاتینی در اینجا می‌تواند کمک کند. گاهی شما به دنبال حقیقتی هستی، آن وقت یکسری اصول و خط قرمز عقلانی را برمیداری و می‌گویید این که من دریافت کردم، همان حقیقتی است که به دنبالش بودم ولی گاهی شما دعوای حقیقت ندارید و صرفاً می‌خواهید بدانید متن به شما چه می‌گوید و وقتی متن تمام شد، سراغ متن بعدی می‌روید، سنت لاتینی در اینجا است که می‌تواند به ما کمک کند.

مهرنوش محمدزاده